

پیام‌های درس:

۱- انقلاب ایران بر پایهٔ خدامحوری، رهبری ولایت فقیه و وحدت مردم استوار است. ۲- دین و فرهنگ ایرانی عامل درخشش انقلاب است. ۳- زبان هر جامعه‌ای، عامل انسجام و وحدت همهٔ اقوام یک سرزمین و نمایندهٔ فکر و فرهنگ همان دوره است. ۴- ادبیات انقلاب، آیینهٔ انقلاب است، تأثیر متقابل ادبیات بر انقلاب و انقلاب اسلامی بر ادبیات. ۵- تحول در بسیاری از بنیاد‌های فرهنگی و فکری با انقلاب اسلامی.

این درس از کتاب درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نوشتهٔ فریدون اکبری شلدره انتخاب شده است.

محور بحث این کتاب، داستان نویسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. نویسنده ی این کتاب تلاش نموده با تقسیم بندی دوره های تاریخی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۷ و توجه به رویکرد حوادث مهم و تغییرات اوضاع اجتماعی، داستانها و نویسندگان این دوران را دسته بندی و تحلیل نماید.

بررسی لغات مهم و آرایه های ادبی درس:

لحن: گزارشی

جلوه: ظاهر، پیدایی / ولایت: سرپرستی، رهبری دینی / دوگانگی: اختلاف / دوگانگی و وحدت: تضاد

دوگانگی از میان برخاست: کنایه از بین رفت. / دل سپاری: کنایه از عاشق شدن / فرزانه: خردمند /

فروپاشی: از بین رفتن / بنیان گذار: پایه گذار

تعالیم: جمع تعلیم، آموزش ها / زایا: خلاق، آفریننده، زاینده / انسجام: وحدت و یکپارچگی

نظم و نثر: تناسب / آثار نظم و نثر مانند آینه ای است: تشبیه / آینهٔ فرهنگ: تشبیه / یک جامعه: ترکیب

وصفی

منش: خلق، خوی، عادت / پیش چشم داشتن: مورد توجه قرار دادن

معیار: برتری، ارزش های اخلاقی / قیام: به پا خاستن، برخاستن، خیزش / ایثار: دیگری را بر خود ترجیح

دادن / کرامت: بزرگواری، جوانمردی / تعهد: پیمان بستن، به عهده گرفتن / شرافت: بزرگواری /

حماسه: دلیری، شجاعت / بسیج: آمادگی / رشادت: دلیری، شجاعت / نگرش: دیدگاه

دری تازه گشوده: کنایه از نشان دادن راه تازه

فضیلت: برتری، ارزش های اخلاقی / محتوا: حاوی، شامل، درون مایه / رادمردی: بخشندگی، جوانمردی،

آزادمردی / ادبیات انقلاب، آیینۀ انقلاب است: تشبیه و تکرار / موج زدن: کنایه از فراوانی

نکته ی ادبی درس: کنایه

دانش ادبی **کنایه**

به نمونه های زیر توجه نمایید

■ یکی را به سر بر نهد تاج بخت	یکی را به خاک اندر آرد ز تخت (سعدی)
■ با چشم ادب نگر پدر را	از گفته او میبچ سر را (ایرج میرزا)
■ از مکافات عمل، غافل مشو	گندم از گندم بروید جو ز جو (مولوی)

در هر یک از بیت هایی که خواندید، شاعر با بیانی غیرمستقیم، مقصود خود را آورده است. «تاج بر سر یکی نهادن» به معنای «گرامی و بزرگ داشتن» است و «یکی را به خاک اندر آوردن» بر مفهوم «کوچک و پست شمردن» دلالت دارد.

با کمی تأمل در مصراع دوم شعر ایرج میرزا در می یابیم که شاعر با بیان جمله «سرمیبچ» مخاطب خود را از «نافرمانی» بر حذر می دارد.

به نظر شما، قصد شاعر از بیان مصراع دوم بیت آخر چیست؟

هرگاه بخواهیم درباره مطلبی، به طور غیرمستقیم صحبت کنیم و درباره امری پوشیده سخن بگوییم، از «کنایه» بهره می گیریم.

«کنایه» سخنی است که دو مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده، معنای دور آن است.

نکات مهم در مورد آرایه ادبی کنایه:

۱- کنایه معمولاً عبارت است.

جمله های کنایی معمولاً به شکل مصدری در می آیند و این یعنی برای یافتن کنایه در یک بیت باید به سراغ فعل و کلمات دور و بر آن برویم.

۲- نکته ی کمکی دیگر در یافتن کنایه ی یک بیت این است که بدانیم در بسیاری از کنایه ها اجزای بدن

انسان مثل دست و پا چشم و... به کار رفته است.

هر که صائب چشم پوشد از پسند خویشتن (به سراغ فعل و کلمه یا کلمات قبل آن می رویم: چشم پوشد)

الف- معنی نزدیک: چشم را با چیزی مثل دست و دستمال پوشاندن ب- معنی دور: ترک کردن چیزی (صرف نظر کردن)

عوامل کمکی برای راهیابی به کنایه:

۱- به مصدر در می آید. چشم پوشیدن ۲- از اجزای بدن انسان هم استفاده شده است.

مثال: از گفته ی او میبچ سر را: سر از سخن کسی پیچیدن: نافرمانی کردن

یک کلمه هم می تواند کنایه باشد. به یکی از دو شرط زیر:

الف- بن فعل در ساختار کلمه باشد. مثال: تلاش ناله ی جانکاه تا کی ای بلبل / ...

جانکاه (گاه، بن فعل است): رنج آور و ...

○ دامن کشان (کش، بن فعل است) : متکبرانه راه رفتن و...

ب- به مصدر در بیاید:

مثال: چون سیل اگر چه بی ادب و خودسر آمدیم خودسر ---> خودسر بودن: گستاخ و متمرّد

مثال ۱: بیا تا بر آریم دستی زدل که نتوان بر آورد فردا زگل

دست بر آوردن: کنایه از دعا کردن، راز و نیاز کردن

مثال ۲: سپهبد چو از جنگ رستم بجست بخایید رستم همی پشت دست (پشت دست خاییدن: کنایه

از پشیمانی)

مثال ۳: خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در غش باشد. (سیه روی: کنایه از

رسوا شدن).